

بررسی عوامل و آثار نگاه کلامی علامه مجلسی

به برخی از فرق و ادیان با تأکید بر

«بحار الانوار»*

** منصور معتمدی

*** سید حسین بی‌ریایی (نویسنده مسئول)

**** علی اشرف امامی

چکیده

درباره علامه مجلسی و تألیفات او، مطالعات گوناگونی صورت گرفته است، اما این پژوهش تلاش می‌کند ضمن مراجعه به آثار ایشان و با تأکید بر بحار الانوار، نگاه کلامی علامه را به مباحث ادیان و فرق با ملاحظه روایات، فهم و منعکس کند. از آنجا که عواملی چون مقام شیخ الاسلامی، کرسی علمی، کثرت اصحاب و ملازمان درسی، پیشینه خانوادگی مذهبی و نیز زمینه و زمانه‌ای که وی در آن زیسته است جملگی مجلسی را احاطه کرده و احتمالاً در اندیشه کلامی او تأثیراتی برجای نهاده است. جستار پیش‌رو شواهدی از حضور موارد مذکور را در مطالعات او جویا شده و کوشیده است تا با استفاده از روش اسنادی و بهره‌مندی از شیوه‌ی توصیفی تحلیلی، ضمن دستیابی به نوع عملکرد مجلسی در فرق و ادیان، به بررسی تأثیرات عوامل پیش‌گفته بر رویکرد کلامی وی بپردازد. نتیجه‌ای که از پژوهش پیش‌رو حاصل آمده این است که این عوامل در نوع خوانشی که مجلسی در روایات مربوطه برگزیده، تأثیر نهاده است و ظهور آن را می‌توان در مواضع گوناگون از کتاب مزبور مشاهده کرد.

کلید واژه‌ها: بحار الانوار، ادیان، فرق، کلام، مجلسی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۹ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷ - نوع مقاله: علمی، پژوهشی.

** مدیر گروه ادیان و عرفان دانشگاه فردوسی / motamedi@um.ac.ir

*** مدرس مدعو دانشگاه حکیم سبزواری / s_h_birea@yahoo.com

**** عضو هیات علمی گروه ادیان و عرفان دانشگاه فردوسی، imami@um.ac.ir

کمتر پژوهشگری را در مطالعات اسلامی می‌شناسیم که با بحار الانوار اثر جامع علامه محمدباقر مجلسی (م. ۱۱۱۰ق) ناآشنا و بیگانه باشد. (جعفریان، ۱۳۸۲: ۲) این عالم عهد صفوی چیرگی و توانایی کم‌نظیری را در این کتاب از خود به یادگار گذاشته است؛ با این وصف اما به نظر می‌رسد عواملی چون پذیرش مسند حساس و خطیر «شیخ الاسلامی»، شخصیت و جایگاه علمی مجلسی و نیز فضای فرهنگی و دینی حاکم بر عصر صفوی در نوع نگرش کلامی مجلسی در اثر مزبور دخیل بوده‌اند.

با این همه نگاه کلامی مجلسی محدود به بحار الانوار نمی‌شود؛ در واقع او واجد آثار مستقل و مبسوطی در حوزه کلام همچون «الاعتقادات»، «البداء»، «النجاة»، «جبر و تفویض»، «سؤال و جواب در مقوله امامت» و «اثبات رجعت» می‌باشد. با ذکر این پیش درآمد و با توجه به آنکه دانش کلام عهده‌دار تبیین بنیادهای دین و دفاع از آن در برابر نگاه‌های نقادانه پیروان سایر مذاهب اسلامی و ادیان دیگر است، مسئله جستار پیش‌رو به صورت شفاف آن است که دریابیم اولاً در قلمرو اخبار و مباحث مربوط به ادیان و فرق منعکس شده در خصوص کتاب بحار الانوار، مجلسی به عنوان مدافع و مروج اسلام شیعی چه روشی را برگزیده و شواهد آن کدام است؟ ثانیاً با توجه به چارچوبه شخصیتی وی و نیز تحولات فرهنگی روزگارش، چه اسبابی بر نگاه کلامی او در تدوین این اثر دخیل بوده است؟ مفروض آن است که برخی عوامل، به ویژه با رسمی شدن مذهب تشیع و حضور فعال جریان‌های صوفیانه و مبلغان مسیحی فرانسیسکن، دومینیکن، آگوستین، کارملیت، ژزویت و کاپوسن (بهرام‌نژاد، ۱۳۷۷: ۳۷)، در شکل‌گیری رویکرد کلامی مجلسی تأثیر گذار بوده و جهت‌گیری‌های قابل تأملی را در مسیر علمی او رقم زده است.

پیشاپیش اذعان می‌شود که ارزیابی جامع روش و خوانش علمی بزرگان به این دلیل که نمی‌توان همه عوامل تأثیرگذار بر اندیشه و رویکردشان را احصاء نمود و قضاوتی تام نسبت به خروجی کار آنها داشت، کاری سخت و حساسیت‌زاست،

اما تحلیل نگاه علمی ایشان تا هر سطح و اندازه‌ای می‌تواند در بازخوانی آثار آنها موثر باشد و قضاوت در مورد تألیفاتشان را به واقعیت نزدیک‌تر سازد.

درباره مجلسی و معرفی بحار الانوار تاکنون آثار فراوانی همچون زندگینامه علامه مجلسی (مصلح الدین مهدوی)، آشنایی با بحار الانوار (احمد عابدی)، علامه مجلسی (حسن طارمی) و مقالاتی مانند «بحار الانوار از زاویه نگاه دایرة المعارفی» (رسول جعفریان) نگاشته شده است، ولی جستار پیش‌رو می‌کوشد «بحار» را از منظر فوق‌بنگردد و آن را از دریچه مزبور مورد مطالعه و واکاوی قرار دهد. بنابراین نخست به ذکر مصادیقی خواهد پرداخت که نشانگر دیدگاه کلامی مجلسی در انتخاب و نوع تفسیر روایات می‌باشد، سپس ضمن معرفی روش وی، به تحلیل عوامل اثرگذار بر رویکرد کلامی او می‌پردازد.

۱. پیامدهای نگاه کلامی مجلسی

گرچه «تحفظ بر متن احادیث و پرهیز از تاویل مگر به ضرورت» و «قاعدۀ تسامح در ادله سنن» دو اصل مهم در مواجهه مجلسی با روایات به شمار می‌رود (قاسم پور و مختاری، ۱۳۹۶: ۱۴۶)، اما بررسی نمونه‌های برخورد وی در مباحث مرتبط با برخی فرق و ادیان، گویای آن است که او بر این دو اصل پیوسته ثابت قدم نبوده است.

در واقع، مطالعه «بحار» نشان می‌دهد مواضع کلامی مجلسی در آن دوره خاص، نوع جهان بینی و برداشت‌های شخصی او در انتخاب، فهم و تفسیر روایات به گونه قابل توجهی اثرگذار بوده است.

۱.۱. اهل سنت:

در دایره امت اسلامی، مجلسی در برابر فرق و جریان‌هایی که ایشان را به نحوی در تضاد با اندیشه کلامی خویش می‌داند، به طرز چشمگیری موضع‌گیری می‌کند؛ نمونه نخست اهل تسنن است.

تعبیری که او در مورد این طایفه در ضمن فصلی اختصاصی و گسترده از بحار به کار می‌برد، محل تأمل است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۲/۲۶۸) وی در توضیح عدم نقل حدیث از کتاب تنبیه الخواطر به دلیل اشمال بر اخبار از طرق عامه می‌نویسد: «به برکت ائمه طاهرين علیهم‌السلام نیازی به اخبار مخالفین نداریم». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۲۹)

او حتی از مفاد خبری که به مدح و منقبت اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته، ولی از مجرای اهل سنت در منابع حدیثی شیعه راه یافته است، در جایگاه تأیید هم بهره نمی‌جوید و در مقام طرد آن می‌نویسد: «این از روایات مخالفان است... من به آن عتمادی ندارم». (همان: ۳۳۱/۵۴)

صاحب بحار در باب ازدواج، با وجود گستردگی موضوعات آن، عنوانی را به کار می‌برد که می‌توان آن را واکنشی کلامی در قبال دیدگاه جماعت اهل سنت برشمرد که متعه را جایز نمی‌دانند و مرتکب آن را گناهکار می‌شمارند: «وجوه النکاح و فیه إثبات المتعة و ثوابها». (همان: ۲۹۷/۱۰۰)

تأثیر نگاه کلامی مجلسی به جریان مزبور در موضع دیگری نیز چنین منعکس شده است:

آنچه در تفاسیر و تواریخ ذکر کرده‌اند از قصص انبیاء که متضمن خطای ایشان است، اکثر از موضوعات و مفتریات ستیان است که از کتب یهود برداشته‌اند... و در کتب خود ایراد نموده‌اند و جمعی از ناقصان شیعه نیز آن‌ها را در کتب خود ذکر کرده‌اند. (مجلسی، بی‌تا: ۳۶)

۱.۲. صوفیه و فلاسفه:

رفتار مجلسی نشان می‌دهد او نسبت به برداشت‌هایی که از متون و منابع دینی می‌کند حساسیت چشمگیری دارد و کمتر در نوع دریافت خویش احتمال نقصان و خطا یا حتی پندار وجود خوانش دیگری می‌دهد. نمود این حساسیت را که برخاسته از نگاه خاص کلامی است در وصیتنامه وی، بخشی که مربوط به وقف کتابخانه

است هم می‌توان جوینا شد: «پس امر تولیت [کتابخانه]، مفوض است به عالم محدث موافق با مسلک من». (مجلسی، ۱۳۶۲: ۱/۲۴۶)

به عنوان نمونه، او در قلمرو دین، تلقی مثبتی نسبت به جماعت متصوفه ندارد. وی ذیل خبری، آن‌ها را به سخره می‌گیرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵۸/۸۵) و ساحت پدرش را نیز از این طائفه بری می‌شمرد: «ایاک أن تظنّ بالوالد العلامه (نور الله ضریحه) أنّه کان من الصوفیّه أو یعتقد مسالکهم و مذاهبهم! حاشاه عن ذلک!» (مجلسی، ۱۳۹۵: ۴۱۴) این در حالی است که نه تنها ملامحمدتقی علیه السلام را منتسب به سلسله صوفیان ذهبیه دانسته‌اند (Momen, 1985: 115) که او خود نیز در تألیفاتش ضمن تأیید حقانیت این طریقه، آن را أقرب طرق به معرفت الهی برشمرده است. (مجلسی، ۱۳۶۲: ۳۰۹)

علامه بعد از ذکر دعایی، صوفیه را در تقابل با اهل بیت علیهم السلام قرار می‌دهد: «متن این دعا با سیاق ادعیه رسیده از معصومان علیهم السلام سازگار نیست، بلکه موافق با مذاق صوفیه است». (همو، ۱۴۰۳: ۲۲۷/۹۵) او حتی برخی اقوال متصوفه را عین کفر و زندقه می‌داند. (همو، بی تا: ۲۹)

شاید به خاطر این دست رفتارهای اوست که برخی از نویسندگان او را به جدایی تشیع از تصوف متهم کرده‌اند. (شیبی، ۱۳۸۷: ۴۰۰)

«راجر سیوری»^۱ در این باره می‌گوید: «محمدباقر مجلسی در تألیفات پر حجمش به بنیانی‌ترین اصول تصوف حمله کرد و این موضع افراطی را اختیار کرد که همه فرق صوفیه خارج از اسلام هستند». (شاردن، بی تا: ۲۳۷)

او در آثارش علاوه بر ابن عربی از دیگر بزرگان متصوفه مانند معروف کرخی، سید محمد نوربخش، عباد بصری، ملای رومی، حسن بصری، سفیان ثوری، منصور حلاج یاد و آن‌ها را در نظرگاه کلامی خویش مذمت کرده است. (مجلسی، ۱۳۸۲: ۱/۹۳؛ همان: ۲/۴۵۸) وی ارتباط معروف کرخی از مشایخ صوفیه با امام رضا علیه السلام را نیز رد می‌کند. (همان: ۱/۴۳۰) در فقره‌ای بعد از ذکر دیدگاه‌های جماعت صوفیه

1. Roger Mervyn Savory.

و شماری از فلاسفه، آرای ایشان را مزخرف و خرافه می‌خواند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۵۴/۵۴)

گروه دیگری که علامه مجلسی حس خوشایندی به آن‌ها ندارد فیلسوفان‌اند. (همان: ۲۰۲/۵۶ و ۲۰۹) در جایی درباره سست بودن یافته‌های ایشان می‌نویسد: «هل هو الا کمن يتعلق بنسج العنكبوت للعروج إلی اسباب السماوات». (همان: ۱۷۴/۴۰) با این وصف، چندین بار سراغ آن‌ها به ویژه حکمای یونان رفته و در مقام تأیید از دیدگاه‌های ایشان در کتاب سود برده است. (همان: ۵۷ و ۵۸)

بیشترین حملات کلامی وی به بوعلی سینا است که آشکارا او را تکفیر کرده و منافق می‌خواند. (همان: ۳۲۸/۸) مجلسی معتقد است هر کس به سخنان فلاسفه مراجعه کند خواهد فهمید که این گروه برخوردار از تمسخرآمیز با دین دارند و انبیا را اشخاصی حيله‌گر معرفی می‌کنند. (مهریزی، ۱۳۷۸: ۳۲۹) اعتراض کلامی صاحب بحار به فیلسوفان در واقع به مخالفت وی با اصل دانش فلسفه برمی‌گردد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۳/۴۰)

او در جایی بعد از طرح بحثش می‌آورد:

کسی در این باره مخالفتی ندارد مگر مسیحیان و جماعت اهل فلسفه، همان کسانی که به هیچ شریعتی ایمان نیاوردند و طبق دیدگاه‌های سخیف و اندیشه‌های ضعیف خود سخن راندند. (همان: ۲۰۹/۵۶)

۳.۱. پیروان ادیان دیگر:

نمونه دیگری که نگاه کلامی مجلسی در آن قابل تأمل می‌باشد، رهروان سایر ادیان است. او در جایی ضمن یادکرد یهودیان با عنوان کافر (همان: ۲۰۲/۶۸؛ ۳۴/۵۱۶) در مقام توصیف جمله پیروان آیین یهود می‌نویسد: «مکر و خدعه، کار آنان است». (همان: ۳۵۶/۴۱) در بخشی، بابی را با عنوان «ما عاتب الله تعالی به الیهود» منعقد نموده است. (همان: ۱۱۶/۸۹)

به نظر می‌رسد تشکیل فصل مذکور بیش از هر چیز، نگاه ناهمسوی وی را به یهودیان نشان می‌دهد. این احتمال هنگامی تقویت می‌شود که درمی‌یابیم در آن، حتی یک روایت هم وجود ندارد و ظاهراً برای صاحب بحار، تنها طرح چنین عنوانی در میان ابواب کتاب موضوعیت داشته است.

مجلسی در واکنش به متن حدیثی که پوشیدن لباس یهودیان و مسیحیان را هنگام خواب بی‌اشکال دانسته است، بدون بیان علت مخالفتش می‌نویسد: «نمی‌توان از چنین حکمی، طهارت آن‌ها را استفاده کرد.» (همان: ۷۷/۴۷) یا در خبر دیگری که امام علی علیه السلام دانه اناری را تناول می‌کنند که پیش از آن با صورت یک نفر یهودی تماس داشته، احتمال بعیدی را در راستای موجه‌سازی خبر می‌آورد: «ظاهره طهاره أهل الکتاب و یمكن حمله علی الغسل». (همان: ۶۳/۱۶۴)

به نظر می‌رسد در موارد فوق، رویکرد علمی به بحث ایجاب می‌کرد وی با مخاطب کتاب، سبب این مخالفت‌ها را نیز در میان می‌گذاشت و ضمیر او را روشن می‌ساخت.

فقدان توجه مجلسی به این نیاز بنیادین که به نظر می‌رسد متأثر از رویکرد کلامی اوست، در نوع برخورد وی در روایاتی که نجاست اهل کتاب از ظاهر آن‌ها استفاده می‌شود نیز قابل مشاهده است. او در این دسته از روایات سکوت اختیار کرده است، اما ذیل روایاتی که ظاهر آن‌ها بر طهارت اهل کتاب دلالت می‌کند، با وجود تمایلی که به مشرب اخباری‌گری و نص‌گرایی دارد در راستای تأویل و توجیه خبر می‌کوشد. (همان: ۴۸ و ۴۹) این در حالی است که می‌دانیم پیش از مجلسی شماری از فقیهان نامور شیعه، فتوا به طهارت اهل کتاب داده‌اند (نواب، ۱۳۹۲: ۵۰) بنابراین امکان برداشت‌های دیگر از روایات و ادله بحث، منتفی نیست.

البته ما اذعان داریم که تنها به استناد نمونه‌های فوق، مجاز نیستیم حکمی قطعی نسبت به عملکرد صاحب بحار صادر کنیم، ولی از چنین برخوردهایی می‌توان تا این اندازه حدس زد که احتمالاً اندیشه و نظرگاه وی در پذیرش اخبار تهی از جانب‌داری نبوده است.

با وجودی که در روایت آمده است: «هیچ امتی نیست مگر اینکه از طرف خداوند منذری برای آن‌ها مبعوث شده است و بر قوم زرتشت هم از طرف خداوند پیامبری

با کتاب آسمانی فرستاده شده است» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/ ۱۴)، ولی تعابیر مجلسی حاکی از آن است که او حتی به خاستگاه و تعالیم ناب آیین زرتشت هم هیچ‌گونه باورداشت همسویی ندارد و پیروان آن را به صورت مطلق و فراگیر، فرقه‌ای مضلّ و گمراه معرفی می‌نماید. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۷/ ۲۶۷)

او در فصلی مستقل نیز ضمن بیان اندیشه آیین هندو و زرتشت درباره انسان نخستین، صراحتاً از دیدگاه آنان با عنوان خرافه یاد می‌کند. (همان: ۲۶۸) احتمالاً بازتاب خارجی همین قسم از دیدگاه‌های کلامی است که بنا به گزارش برخی مستشرقان از سلطان حسین هم می‌خواهد تا زرتشتیان معاصرش را مجبور به تغییر کیش و آیین کند. (Lapidus, 2002: 243)

مجلسی در جایی که احساس نیاز کند حتی به کتب طب نیز مستقیماً مراجعه می‌کند و دیدگاه آن را منعکس می‌سازد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۹/ ۶۷)، ولی ظاهراً تمایلی ندارد که سراغ کتاب مقدس رفته و به مقایسه محتوای روایات با این کتاب، حتی به هدف ردّ و ابطال گزارش‌های عهدین بپردازد. به عنوان نمونه در پانویس خبری که به داستان راه رفتن عیسی ﷺ روی آب می‌پردازد (همان: ۷۰/ ۲۴۴ و ۲۴۵) یا روایتی که حاوی موعظه عیسی ﷺ بالای کوه است، سخنی از تشابه چشمگیر این روایات با گزارش عهدجدید^۱ به میان نمی‌آورد؛ یا هنگامی که با استناد به روایات آفرینش زن را از مرد منتفی می‌داند (همان: ۶۶/ ۲۱۲)، مخالفت صریح این دیدگاه با محتوای موجود در عهد عتیق مبنی بر خلقت زن از پهلو وی را متذکر نمی‌شود. (سفر پیدایش، ۳: ۲۳-۲۱)

با توجه به جایگاه علمی اجتماعی علامه مجلسی و نیز حضور فعال مبلغان تبشیری در اصفهان آن روزگار و ارتباط نزدیک مجلسی با جامعه مسیحیان در دربار، بعید به نظر می‌رسد که بگوئیم وی از محتوای کتاب مقدس ایشان بی‌اطلاع بوده است یا آن را در مطالعه‌اش در نظر نگرفته است. بنابراین برداشت دوری نیست که بگوئیم علت این‌گونه بی‌اعتنایی در کنار التفات به کتبی چون طب، آن باشد که

۱. راه رفتن عیسی ﷺ بر روی آب در انجیل متی فصل چهاردهم و موعظه بالای کوه در همان انجیل، فصل‌های پنجم تا هفتم و در انجیل لوقا در فصل ششم منعکس شده است.

مجلسی صحایف مزبور را واجد قداستی نمی‌دید و یا نمی‌خواست آن‌ها را مهم و جدی جلوه دهد.

شاهد دیگر بحث، روایتی است که مفاد آن تلویحاً مریم علیها السلام را در مقام مقایسه با فاطمه علیها السلام قرار می‌دهد. در خیر مذکور آمده است پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله خطاب به دخترش فرمود: «آیا خشنود نیستی که سرور زنان اهل بهشت باشی، البته به استثنای مریم دختر عمران که خداوند او را نیز در این جایگاه قرار داد». صاحب بحار ضمن یادکرد این حدیث، موضع‌گیری کلامی خود را نسبت به آنچه ظاهر خبر افاده می‌کند در قالب دو توجیه نشان می‌دهد.
او می‌نویسد:

اولاً این روایت موافق با روایات عامه است و نه شیعه، ثانیاً اینکه ممکن است معنای حدیث چنین باشد: «سروری زنان، مقام انحصاری دختر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است به استثنای مریم علیها السلام که او سرور زنان عصر خویش بود». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷/۴۰ و ۴۱)

او در اینجا هم جهت برای تلقی مزبور از خبر به دست نمی‌دهد. وی همچنین ذیل تفسیر آیه ۱۵۹ سوره نساء که می‌فرماید: «و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر آنکه پیش از مرگش به مسیح ایمان می‌آورد»، به شمول این آیه نسبت به یهودیان و مسیحیان همه زمان‌ها بنا بر رأی طبرسی، واکنش نشان داده و بدون اقامه دلیل بر نوع دیدگاه کلامی خویش می‌نویسد: «این سخن مربوط به اهل کتاب آخر الزمان نیست». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴/۳۵۰)

در روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «امتی که من در ابتدای آن، عیسی علیه السلام در انتهای آن و مهدی علیه السلام در میانه آن حضور داشته باشد، ابداً نیست و نابود نخواهد گشت».

از آنجا که در ظاهر روایت، هم‌تراز با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و موعود شیعیان علیه السلام، به جایگاه مسیح علیه السلام نیز توجه ویژه‌ای شده، مجلسی آن را نیازمند پانوشت معناداری بدین شرح می‌داند:

اینکه در توضیح روایت گفته شود مراد آن است که عیسی علیه السلام دینی مستقل دارد، باعث می‌گردد عوام مردم به اشتباه بیفتند و کیش خود را از ملت محمدی صلی الله علیه و آله به ملت عیسوی صلی الله علیه و آله تغییر دهند؛ چنین کاری کفر می‌باشد. پس با این وصف واجب است روایت را بر وجه درستی حمل نماییم و بگوییم مراد آن است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نخستین کسی است که به سوی اسلام، مردم را دعوت نمود. پس از او، مهدی علیه السلام این کار را انجام داد و در پایان، عیسی علیه السلام ایشان را به سوی اسلام فرا می‌خواند؛ معنای صحیح خبر، نزد من این چنین می‌باشد. (همان: ۹۴/۵۱)

او در متن فوق نیز هیچ دلیل و مؤیدی از روایت بر نظرگاه کلامی خویش اقامه نمی‌کند.

مجلسی مشابه عکس العمل رفتاری بالا را، همچنین در روایتی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را «خَیْرَ مَوْلُودٍ وُلِدَ بَعْدَ عَلِیِّ سَنَةِ الْمَسِیحِ صلی الله علیه و آله» معرفی کرده و بی‌آنکه علت دیدگاه خویش را منعکس کند، شرحی بر آن نگاشته است. (همان: ۱۶/۳۵)

ناگفته نماند که زاویه نگاه کلامی مجلسی در حوزه اخبار و موضوعات مربوط به ادیان، علاوه بر موارد پیش گفته، او را به سمت و سوی طرح برخی مباحث فرعی مرتبط با جامعه‌ای که در آن می‌زید نیز سوق داده است، درحالی‌که این کار با مقصودی که خود به آن تصریح دارد یعنی حفظ روایات از خوف ضایع شدن و از بین رفتن، به هیچ روی همسو نیست. (مجلسی، ۱۴۱۲: ۵۱۸ و همان، ۱۴۰۳: ۸۰/۳۳۰، ۳۳۱ و ۳۴۹)

بنابراین به نظر می‌رسد اولاً مجلسی در تنظیم ابواب، انتخاب و نوع فهم روایات ملاحظات کلامی جانبدارانه‌ای را در نظر گرفته و ثانیاً بنا بر موقعیت اجتماعی که در آن حضور داشته، به طرح مباحثی دور از هدف پرداخته است. این هر دو رفتار بر اساس روش تحقیق مرسوم که امروزه در علوم انسانی توسط غربی‌ها و مستشرقین پیگیری می‌شود مفهوم نبوده و قابل دفاع نمی‌باشد.

البته شاید بتوان در مقام موجه‌سازی عملکرد وی به جایگاه او به عنوان عالم و مدافع مکتب تشیع توجه و التفات بیشتری کرد و چشم داشت اختیار مسیری غیر از

آنچه را برگزیده، نداشت؛ حدس دوری نیست چنانچه بگوییم در نوشتن بحارالانوار نیز با وجودی که در مقدمه سخن به حفظ روایات از خوف ضایع شدن تصریح کرده است، ولی در حقیقت، دفاع از مکتب تشیع، ترویج و تبلیغ آموزه‌های شیعی را پیگیری می‌کند.

۲. شناسایی روش مجلسی در دریافت اطلاعات ادیانی

شواهد بخش قبل جملگی این فرضیه را که مجلسی در انتخاب و تلقی برخی روایات مربوط به ادیان و فرق واجد سوگیری‌هایی بوده و در این باره دارای رویکرد کلامی قابل تأملی می‌باشد، تقویت نمود. آشنایی با روش مجلسی نیز اسباب شناخت بهتر وجود چنین نگاهی را در وی فراهم می‌سازد. از محتوای سخن مجلسی برمی‌آید او قبل از تألیف بحار، خطوط کلی راهی را که باید پیماید طراحی و ترسیم نموده است. (همان: ۱۴۴ و ج: ۱: ۴) این به آن معنا است که دیدگاه اعتقادی و باورداشت‌های شخصی وی در چینش روایات بحار، تحلیل و تفسیر آن‌ها تاثیرگذار بوده است.

۱. منابع مجلسی در ادیان

منابعی که مجلسی طی نموده تا به داده‌ها و اطلاعات ادیانی دست یابد، قابل توجه است؛ در واقع نوع نگاه کلامی اوست که او را در انتخاب و رجوع به مآخذ مربوطه به هدف فهم واژگان و مصطلحات ادیانی موجود در روایات و اخبار، راه می‌نماید. نکته حائز اهمیت در این بخش آن است که وی عموماً در ساحت مزبور به معاجم تخصصی و کتب دیگر ادیان مراجعه نمی‌کند. به عنوان نمونه مفهوم «سبت» را از طریق کتب لغتی همچون مفردات راغب می‌شناسد و می‌شناساند (۱۴۰۳: ۶۶ / ۹۹) یا در مورد واژه‌های «صومعه»، «بیع» (همان، ۸۰ / ۳۴۷) و «رهبانیت» نظر طبرسی را در مجمع البیان جویا می‌شود. (همان: ۸۴ / ۱۴۷)

او در این حوزه‌ها از کتاب «قاموس اللغه» فیروزآبادی بسیار بهره می‌برد. (همان: ۲۳۹/۱۰؛ ۱۶/۱۴۵) عنایت و اعتماد او به این کتاب در حدی است که حتی برای ترجمه عبارات عبری همچون «أهياً شَراهياً» سراغ این منبع می‌رود و با استفاده از آن، معنا را به مخاطب منتقل می‌کند: «موجودی ازلی که هیچ زمان زائل نشده است». (همان: ۳۷۹/۸۸)

مجلسی از آراء ابن اثیر در «النهایه» (همان: ۳۰۶/۹؛ ۲۷/۹۹)، «المصباح المنیر» فیومی (همان: ۳۴۷/۷۱) و کتاب «المغرب اثر» مطرزی (همان، ج ۸۷: ۱۱۹ و ۲۲۳) نیز بارها استفاده کرده است. برای آشنایی با «نواویس» (همان: ۲۲۳) (مقبره‌های مسیحیان)، «تابوت» یا همان صندوق تورات (همان: ۱۱۰) و «قبه الزمان»^۱ سراغ کتاب کفعمی می‌رود و نظر وی را خواستار می‌شود (همان: ۱۱۹) و به منابع یهودی یا مسیحی مراجعه نمی‌کند.

او در حوزه تاریخ ادیان، در شماری موارد به کتاب «الآثار الباقیه عن القرون الخالیة» (همان: ۱۳۹/۵۶)، تفسیر رازی (همان: ۳۷/۴؛ ۱۹۰/۱۷)، تفسیر زمخشری (همان: ۱۷۹/۵؛ ۳۳۸/۳۵)، تفسیر عیاشی (همان: ۲۲/۳۹) و «ملل و نحل» شهرستانی مراجعه کرده است. (همان: ۲۱۹/۵۴)

برای اطلاع از فاصله زمانی بین موسی و عیسی علیه السلام سراغ کتاب «تنقیح» ابن جوزی می‌رود. (همان، ج ۶۴: ۲۲۴) «تاج اللغه» اثر جوهری هم در تفسیر لغات مربوط به ادیان او را یاری رسانده است. مثلاً «فُهر» (مدارس یهودیان) واژه‌ای است که صاحب بحار با مراجعه به این کتاب، به شرح آن مبادرت می‌ورزد. (همان: ۲۰۹/۸۰)

مجلسی برای ریشه‌یابی لغات عبری علاوه بر کتب لغت (همان) از خود اخبار و احادیث هم کمک می‌گیرد (همان: ۲۱۴/۳۶ و ۲۱۵)، اما مستقیم به منابع اهل کتاب مراجعه نمی‌کند.

بررسی مجموع عملکرد مجلسی در بحار حداقل دو احتمال را در این باره پیش روی ما می‌گذارد؛ نخست اینکه مجلسی با این دست کتب مأنوس و آشنا نیست و

۱. «قبه الزمان» همان چادری بود که یهودیان در آن تابوت عهد را نگهداری می‌کردند.

احتمال دیگر اینکه به خاطر غلبه رویکرد کلامی که اختیار نموده، مجالی برای توجه به منابع تخصصی این حوزه در او باقی نمی‌ماند. در این باره برخوردی که او در مراجعه به کتب مقدس برگزیده است، قابل تأمل است. در واقع او اگر چه از آن‌ها استفاده کرده است، ولی عموماً مطالب را غیرمستقیم آورده است. مثلاً از «زبور» با وساطت سید بن طاوس مطالبی نقل می‌کند. (همان: ۳۹/۷۴) از تورات نیز غالباً با واسطه (همان: ۳۶/۲۱۴؛ ۴۲/۷۴) و به ندرت بدون واسطه نقل می‌کند. (همان، ج ۸۷: ۱۱۴ و ۱۱۵) البته گاهی هم از طریق اهل کتاب زمان خویش (همان: ۳۶/۲۱۴) و اندیشمندان (همان: ۲۷/۶۳) و ثقات آن‌ها (همان: ۳۶/۲۱۴) با تعالیم و تاریخ ادیان دیگر آشنا می‌شود. (همان: ۲۷/۶۳)

نکته دیگر نیز آنکه مجلسی غیر از فارسی و عربی ظاهراً به زبان دیگری آشنایی نداشته و بر این اساس امکان استفاده از منابع ادیان به زبان عبری و غیره برایش فراهم نبوده است. (همان) بنابراین اگر چه یکی از خصوصیات درخواستی از رویکرد کلامی وی آن است که درباره روایات ادیان دیگر غالباً نظرگاه خود را منعکس می‌کند (همان: ۱۴/۳۷۰ و ۴۴۷؛ ۱۹/۲۷۲) ولی در ارزیابی فقرات عبری موجود در روایات بحار صرفاً به عنوان گزارشگر ظاهر شده و از اظهار نظر اجتناب نموده است. (همان: ۲۷/۶۳)

۲.۲. مجلسی و تفسیر روایات مربوط به ادیان

علامه در تبیین روایات تاریخی، به دیدگاه پیروان ادیان به صورت جدی و مستمر نظری ندارد و این دسته از روایات را عمدتاً از مجرای قرآن و روایات فهم می‌کند. (همان: ۵۱/۵۶؛ ۹۵/۵۸) چنین رفتاری در خصوص منابع اصلی ادیان (مانند عهدین) نیز جاری و ساری است. در واقع او متأثر از نگاه کلامی‌اش، از منابع مزبور نه تنها در مقام تبیین روایات که در مقام تأیید آن‌ها هم بهره‌مند نمی‌شود. (همان: ۱۸/۷۴)

در این باره وی از مراجعه به کتب تاریخی همچون «قصص الأنبياء» نیز دریغ می‌ورزد. (همان: ۱/۴۷؛ ۳۵۸/۵۶) مثلاً او در روایتی که امام علی علیه السلام فرمود: «خَيْرُ تَمَرَاتِكُمُ الْبُرْنِي فَأَطْعَمُوا نِسَاءَكُمْ فِي نَفْسِهِنَّ تَخْرُجُ أَوْلَادُكُمْ حُلَمَاءً» (همان: ۶۳/

(۱۳۴)، می‌نویسد: «كَأَنَّ الْمَرَادَ بِنَفَاسِهِنَّ قُرْبَ نَفَاسِهِنَّ قَبْلَ الْوَلَادَةِ أَوْ مَحْمُولٌ عَلَى مَا إِذَا أَرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَالْأَخِيرُ أَنْسَبُ بِقِصَّةِ مَرْيَمَ ۖ» (همان: ۱۳۵) در واقع او این وجه از مناسبت تاریخی را از آیات ۲۳، ۲۵ و ۲۶ سوره مریم ۷ برگرفته است.

در مورد روایت امام باقر ۷ هم که: «سنت امیرمؤمنان ع همان سنت مسیح ۷ بود» (همان: ۱۱ / ۵۲)، می‌گوید: «مراد امام ۷ از همانندی با سنت مسیح ۷ آن است که امت وی به سه گروه، متفرق و پراکنده شدند». (همان: ۵۳)

وی چنین تبیینی را نه با مراجعه به کتب تاریخ مسیحیت و کتاب مقدس که با عنایت به حدیث دیگری که در آن پیامبر اسلام ۷ از تشتت پیروان عیسی ۷ به سه فرقه حواریون، دشمنان یهودی و غالیان خبر داده است، ارائه می‌کند. (همان: ۲۵ / ۲۶۵)

نمونه دیگر پانوشتی است که ضمن روایت امام رضا ۷ که فرمود: «همانا عیسی ۷ با سنت مخالفتی نداشت.» (همان: ۱۰ / ۳۰۸) آورده است: «عیسی لم ینسخ شرعه التوراة بل أحلّ لهم بعض الذی حرّم علیهم.» (همان: ۳۲۰) مجلسی به منظور دستیابی به شرح تاریخی مزبور صرفاً از آیه ۵۰ سوره آل عمران استفاده کرده است، درحالی که می‌توانست در کنار مراجعه به قرآن، از اناجیل نیز بهره‌مند شود. (انجیل متی، ۵: ۱۷ و انجیل لوقا، ۵: ۱۴)

۲.۳. مجلسی و نحوه راستی آزمایی تاریخ ادیان

مجلسی برای راستی آزمایی گزارش‌های ادیان دیگر، سراغ قرآن و روایات می‌رود. در موضعی می‌نویسد: «یهودیان معتقدند خداوند آفرینش عالم را روز یکشنبه آغاز کرد و روز جمعه از این کار فارغ شد، و شنبه را استراحت نمود و بر عرش خود آرمید.»

او سپس آیه ۳۸ از سوره «ق» را ردیه‌ای بر این گزارش دانسته است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸ / ۶۴)

در جای دیگر، گزارشی کوتاه از باورهای ادیان هند و آیین زرتشتی درباره نخستین بشر ارائه داده و در انتها، از دیدگاه کلامی خود درباره این نوع گزارش‌ها پرده برداشته است: «این‌ها همه خرافاتی است که آن‌ها ذکر کرده‌اند. آیات قرآن و روایات، حقیقت

را در این باره آشکارا بیان نموده‌اند و مهر بطلان بر نظریات و آرا چنین فرقه‌های گمراهی زده‌اند». (همان: ۲۶۸ / ۵۷) بنابراین شیوه مستمر وی در راستی آزمایی تاریخ ادیان، عدم مراجعه به کتب سایر ادیان است، اما آیا این رفتار که محصول نگاه کلامی علامه است، بیانگر آن است که مجلسی نسبت به حوزه ادیان بیگانه است و در این باره اطلاعاتی ندارد؟ پاسخ منفی است؛ چه اینکه شواهد متعددی در این باره وجود دارد. (همان: ۲۲ / ۳۹؛ ۲۴۰ / ۵۷) مثلاً در بخشی از کتاب، وی وجوهی را به منظور توجه دادن مخاطب به ساختار نظام‌مند قرآن برشمرده است.

وی در شماره هشتم از این وجوه بر این باور است که در سور قرآن، میان اجزاء و بخش‌های گوناگون این کتاب فضیلت یکسانی حکمفرماست و چنین نیست که برخی از اجزای آن دارای برتری خاصی نسبت به سایر اجزاء باشند. وی سپس از تورات و انجیل نام برده و می‌نویسد، اما در آن کتابها، وضع این گونه نیست: «فی التوراة کلمات عشر تشتمل علی الوصایا يستحلفون بها لجلالة قدرها و کذا فی الإنجیل أربع صحف و کذا فی الإنجیل محامید و مسایح یقرءونها فی صلواتهم». (همان: ۱۳۸ / ۸۹)

۳. عوامل تاثیرگذار بر رویکرد کلامی مجلسی نسبت به سایر فرق و ادیان

۳.۱. شخصیت تبلیغی مجلسی

در این قسمت، ضمن توجه به شواهد و تحلیل‌های پیش‌گفته به دنبال واکاوی عواملی هستیم که احتمال می‌دهیم در جهت‌گیری فکری صاحب بحار و گزینش رویکرد کلامی او تأثیرگذار بوده است.

محفل درس وی رونقی ویژه داشت. او بالغ بر هزار نفر شاگرد تربیت نمود. (نوری، ۱۴۱۹: ۱۴۷) در کسب علوم عقلی از آقا حسین خوانساری (۱۰۱۷-۱۰۹۸) و در علوم نقلی از پدرش (کرمانشاهی، ۱۳۶۹: ۱۱۳) بهره برد. (خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲: ۵۴۱) آورده‌اند که جد مادری مجلسی، کمال الدین

درویش محمدعاملی اصفهانی برای اولین بار احادیث اهل بیت علیهم السلام را در ایران نشر و گسترش داد. (دوانی، ۱۳۷۰: ۱۳)

بررسی زندگی و پیشینه مجلسی نشان می‌دهد نه تنها از زمان تألیف بحار که از همان اوان کودکی در میان همگنان واجد چهره‌ای متفاوت و برجسته بود. (مهدوی، ۱۳۷۹: ۵۵) او در بیست و پنج سالگی اولین کتاب خود موسوم به «میزان المقادیر» یا «رسالة الأوزان» را به رشته تحریر درآورد. (تهرانی، ۱۴۰۳: ۳۱۹) هفت سال بعد، سال ۱۰۷۰ق. کتاب «فهرست اخبار کتب عشره» را تألیف نمود و این خود نقطه عزیمتی شد برای تدوین بحار الانوار که از آثار مشهور امامیه به شمار می‌آید.

اگر چه مجلسی عالم شیعی است و همچون دیگر شخصیت‌های دینی، خویشتن را موظف می‌داند تا از تعالیم و باورهای مکتبش حراست کند، اما آنچه شخصیت وی را از همگنان متمایز می‌کند نوع عملکرد تأمل‌برانگیز او می‌باشد که برخاسته از دیدگاه کلامی شخص اوست.

در بخشی از بحار، به خلاف مقصود کتاب، به ذکر ابیاتی در مصیبت امام حسین علیه السلام پرداخته و می‌نویسد:

ما اندکی از این نوع اشعار را آوردیم، به این امید که خداوند مرا در ثواب کسی که با آن‌ها گریه و نوحه خوانی می‌کند، شریک سازد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵ / ۲۹۴)

در جایی نیز به ذکر کرامت‌هایی می‌پردازد که در پرتو توسل به امام علی علیه السلام و بارگاه ایشان به وقوع پیوسته است. (همان: ۲۵۳ / ۹۷)

اگر چه هدف مجلسی حفظ تمامی روایات معصومین با هر گونه محتوایی است، ولی معلوم نیست چرا پرونده برخی ابواب مثل عاریه، صلح و ضمان را خیلی مختصر تنها با ذکر یک، دو یا سه روایت می‌بندد، ولی در برخی ابواب به ویژه با درون مایه اعتقادات شیعی احادیث فراوانی را منعکس می‌کند؟ (همان: ۱۷۸ / ۱۰۰)

گاهی نیز او روایاتی همچون خطبه همام را در بابتی دیگر هم تکرار می‌کند و در توجیه کارش می‌نویسد: «این خطبه همچون مشک است، هر اندازه تکرار شود بوی خوش از آن متصاعد می‌شود». (همان: ۳۴۶ / ۶۴)

در بخشی، وی از خدمت‌رسانی و آبادانی بیت المقدس توسط هارون و اولاد او بنابر نقل تورات یهودیان معاصرش، ضرورت پیشوایی بر مردم و پرده داری کعبه را برای امام علی علیه السلام و فرزندان ایشان نتیجه می‌گیرد که نتیجه‌ای قابل تأمل است:

اعلم أنه لما كان سداة بيت المقدس و تعمير بيوت الله في بني إسرائيل لهارون و أولاده عليهم السلام فكذا كانت الإمامة و الخلافة و سداة بيوت الله لأمير المؤمنين و أولاده عليهم السلام. (همان: ۸۷ / ۱۲۰)

کمتر فقهی را می‌شناسیم که به وجوب عینی زیارت امام حسین علیه السلام متمایل باشد؛ درحالی‌که از سخن مجلسی برمی‌آید که به وجوب عینی زیارت امام حسین علیه السلام تمایل ویژه‌ای نشان می‌دهد. (همان: ۹۸ / ۱۰) او مفهوم «جهاد» را که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آن را یکی از اجزاء اسلام برشمردند، غلبه اسلام بر دیگر ادیان تلقی کرده است، ولی با خواننده بحار از علت این نوع فهمش سخن نمی‌گوید. (همان: ۷۹ / ۲۱۳)

اگر چه بی‌تردید در صدور فتوای وجوب نماز جمعه در عصر غیبت، مجلسی مراحل استخراج حکم را طی نموده است، ولی حدس دوری نیست بگوئیم روحیه تبلیغی مذکور در صدور چنین فتاوایی نیز بی‌تأثیر نبوده است. (همان: ۸۶ / ۱۴۷) این احتمال وقتی تقویت می‌شود که مشاهده می‌کنیم او در خلال نجوایش با خداوند در سحرگاه رمضان درباره احیای ارزش‌های اسلامی در جامعه اظهار نگرانی و پریشان‌خاطری می‌کند. (همان: ۹۵ / ۱۶۷) محدث نوری معتقد است کسی چون او در شکست صولت بدعتگذاران و نابودی اباطیل بی‌دینان و احیای سنت‌های فراموش شده اسلامی موفق عمل نکرده است. (نوری، ۱۴۱۹: ۵۶) شاید پیامد همین‌گونه رفتارها و رویکردهای اوست که برخی از مستشرقان همچون «لکهارت» نیز در مقام تبیین شخصیت مجلسی به وادی اغراق کشیده شدند و مدعی گشتند که عده فراوانی از مردم معاصر با وی بر اثر اعمال فشار و زور توسط این عالم دینی از کیش و آیین خود دست کشیدند. (طارمی، ۱۳۷۵: ۹۶)

میزان تأثیر حضور مجلسی در اجتماع آن روز را در توصیفی که خاتون آبادی یکی از شاگردان وی نسبت به روزگار بعد از حیات استادش آورده، می‌توان دریافت:

مجموع منعقد نمی‌شود و اکثر عبادات و سنن که به برکت او در میان مومنان جاری بود متروک شد، و در ایام شریفه و لیالی اعیان چندین هزار کس به عبادت و احیاء و دعا مشغول بودند؛ و الحال اکثر این مراسم و وظایف مهجور گردیده است و از مواعظ شافیه او که باعث هدایت و تیقظ و تذکر مؤمنان بود، مردمان محروم گردیده‌اند. (خاتون آبادی، بی تا: ۵۲)

بنابراین این شواهد و نمونه‌های دیگری که در بحار وجود دارد نشان می‌دهد هدف مجلسی در نگارش این اثر صرفاً جمع‌آوری روایات از خوف تلف نبوده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۷/۲۵۷-۲۵۲)، بلکه او در صدد برآمده که آموزه‌ها و شعائر اسلام شیعی را در اجتماع به گونه‌ای ویژه احیاء کند (Momen, 1985: 116) و میراحمدی، ۱۳۶۳: ۳۷۱ و مجلسی، ۱۳۸۲: ۲۰۴) و دست به ارشاد خلق زند (مجلسی، ۱۳۶۹: ۳۵) و به ارائه شکلی موجه از تشیع اثنی عشری در مقایسه با آموزه‌های سایر فرق و ادیان پردازد. (Thurkill, 2010: 36)

وی در روایتی که امام صادق علیه السلام از قول امام علی علیه السلام می‌فرماید: «نباید کسی از میان شما، در حالی که شمشیر مقابلش قرار گرفته، نماز بخواند زیرا که سمت قبله مصون و ایمن است»، ضمن بیان توضیحاتی که به تأیید مفاد روایت می‌انجامد از قول ابن جنید، مخاطب را نسبت به خاستگاه چنین رفتاری تنبه داده است:

تصویر، تمثال و آتش برافروخته در چراغدان‌ها یا چراغ‌های نفتی یا شمع و آتش روشن، به صورت آویزان یا غیرآویزان، سنت زرتشتیان، آتش‌پرستان و اهل کتاب است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۰/۳۰۳)

پس مجلسی پیوسته ترجیح داده رویکردی را در مطالعات حدیثی خود پیش بگیرد که در راستای آن نه تنها روایات را از تلف شدن محافظت کند که وجهه سایر ادیان و فرق را نیز کم رنگ نموده و مذهب شیعه را نسخه مترقی همه مکاتب و نحله‌های دینی معرفی نماید. در اینکه او در این مسیر تا چه میزانی توفیق یافت و باخ مورین معتقدست راز تداوم جریان شیعی در قلب و ذهن مردم آن عهد و سامان را باید در اقدامات پر رنگ و مایه مجلسی کاوید. (Moreen, 1992, p.4)

در جایی، صاحب بحار درباره پیروان ادیان که در ذمه اسلام‌اند، نیز می‌نویسد:

باید به عمل نیاورند امری را که موجب منقصت دین اسلام باشد... و باید که این شرط بر ایشان بشود و اگر خلاف این شرط بکنند از امان به در روند. (مجلسی، ۱۴۱۲: ۵۱۸)

۳.۲. منصب شیخ الاسلامی

صاحب بحار از سال ۱۰۹۸ در زمان شاه سلیمان صفوی و در حالی که ۶۱ ساله بود به منصب شیخ الاسلامی رسید. (طارمی، ۱۳۸۹: ۱۷) وی خود نسبت به رفتارش درباره قبول منصب قضا که یکی از شئون شیخ الاسلامی بود اظهار تعجب کرده و پس از گریه بسیار بر روی منبر خطاب به مردم گفت: «من در کار خود متحیرم... چگونه شد که عاقبت کار من به قضاوت انجامید». (جعفریان، ۱۳۷۰: ۳۵۱)

بنا بر گزارشی هنوز یک ماه بیشتر از صدارت او نگذشته بود که دستور شکستن بت‌های هندوها را صادر کرد. هندیان برای پیشگیری از این اقدام دست به دامن شاه سلیمان شدند، ولی سودی نبخشید و بتها شکسته شد. (طارمی، ۱۳۸۹: ۱۰۵)

به خلاف احساس ناخشنودی که شیخ بهایی و پدرش حسین بن عبدالصمد حارثی از حضور در جایگاه شیخ الاسلامی داشتند (فرهانی منفرد، ۱۳۷۷: ۱۳۲ و ۱۳۳) از تعابیر مجلسی به دست می‌آید وی اصل این مسند را بدون اکراه پذیرفته است، گرچه همان طور که گذشت ورود به عرصه قضاوت را نمی‌پسندید.

اینکه مجلسی شیخ الاسلامی را با رضایت خاطر می‌پذیرد برای ما مهم و در خور توجه است، زیرا اگر او با ناخوشایندی این جایگاه را قبول کرده بود چه بسا در روایاتی که مربوط به رویارویی با دنیا و ریاست است عکس‌العمل متفاوتی نشان می‌داد، کما اینکه به نظر می‌رسد تصدی این منصب، در اختیار رویکرد وی و به دنبال آن شکل‌گیری شماری از ابواب بحار و فهمش از برخی اخبار، به صورت مصداقی و عینی بی‌تأثیر نبوده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۸/۶۸؛ ۲۹۷/۷۰؛ ۳۶-۲۵)

مثلاً او در خبری که پیامبر ﷺ فرمود: «در پی دنیا رفتن، تحقیقاً به آخرت آدمی ضرر می‌رساند و در پی آخرت رفتن، موجب ضرر رساندن به دنیای او می‌شود. پس با این وصف به دنیای تان ضرر و زیان بزنید که بدون تردید چنین ضرر رساندنی سزاوارتر است» (همان: ۶۱/۷۰)، آورده است:

این حدیث به بخش مذموم از دنیا اشاره دارد که مضرّ امر آخرت باشد، اما آن مقداری که به آخرت ضرری نمی‌رساند، مذموم نخواهد بود... اکنون ما باید به بیان معنای دنیا و مذمومیت آن بپردازیم، چرا که این امر بر بسیاری از مردم مشتبه شده است. شمار زیادی از ایشان امر حقیّی را دنیا می‌نامند و زبان به مذمت آن می‌گشایند... و بدین طریق افراد نادان را نیز به اشتباه می‌اندازند. (همان)

و سپس به طور مبسوط مؤلفه‌های دنیای مذموم را بررسی کرده است. بعید نیست که بگوییم عبارات فوق نمونه گویای رویکرد یک‌سویه و تا حدودی جانبدارانه وی به برخی روایات است که به دلیل اتخاذ منصب سیاسی و نیز حساسیت اجتماعی این جایگاه آن را اختیار کرده است. در این باره موارد دیگری نیز در بحار وجود دارد که نمود رویکرد پیش‌گفته در آن‌ها قابل پیگیری است. (همان: ۲۹۵/۶۵)

نگاه مجلسی به دولت صفوی نیز حائز اهمیت می‌باشد. او در ادامه حدیثی که امام علی علیه السلام در آن از فقدان سخاوت، شجاعت، امانت و غیرت مردم اصفهان سخن گفته‌اند عکس العمل نشان داده و می‌گوید به برکت دولت صفوی این صفات چهارگانه در مردم اصفهان از میان رفته‌اند. (همان: ۳۰۲/۴۱)

در جایی بقاء دولت مزبور و اتصالش را به حکومت مهدوی از خداوند درخواست می‌کند (همان: ۲۴۳/۵۲) و برای دولتمردان صفوی این چنین دعا می‌کند: «الدولة العلیة الصفویة شید الله أركانهم». (همان: ۸۶/۸۹)

او در کتاب رجعت نیز می‌نویسد:

در اثنای جمع احادیث [بحار الانوار] دو حدیث به نظر نگارنده رسید که ائمه اهل البیت به ظهور دولت علیّه خبر داده‌اند و به اتصال این سلطنت بهیّه به

دولت قائم آل محمد علیهم السلام، شیعیان را بشارت فرموده‌اند. (مجلسی، ۱۳۹۰:

۵۰)

برخی پژوهشگران معتقدند مجلسی بسیار به حکومت وقت نزدیک شده بود و بیش از حد استحقاق چنین حکومتی، آن هم در فاسدترین و زوال یافته‌ترین دوره‌اش از آن حمایت کرد. (فرهانی منفرد، ۱۳۷۷: ۱۲۷) او در فقره‌ای نیز سلطان حسین صفوی را بسیار ستوده و مدح کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۰ / ۳۳۷ و ۳۳۹) درحالی‌که می‌دانیم غالب مورخان وی را بی‌کفایت و ناتوان توصیف نموده‌اند. (غفاری فرد، ۱۳۸۱: ۲۷۴)

البته برخی در توجیه این نوع رفتار علامه می‌گویند وی از طریق منصب «شیخ الاسلامی» و ستایش و تحسین شاهان صفوی، بستر ترویج اعتقادات شیعه را فراهم می‌نمود. اگر چه درستی این سخن بر هر پژوهشگر انصاف محوری مخفی نیست، اما از سوی دیگر نیز نمی‌توان تأثیرات فضای سیاسی و جریان‌های پویای اجتماعی حاکم بر عصر او را بر گزینش رویکرد کلامی وی و نوع فهمش از روایات به طور کامل منتفی دانست.

تعبیر وی درباره شاهان صفوی گاهی هم عکس العمل‌هایی را از جانب معاصران چون سیدمحمد میرلوحی (م. ۱۰۸۷) به دنبال داشت تا آنجا که از او با عباراتی ناصواب یاد کرد و از مدد رسانی به مجلسی دریغ نمود. (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۵۷ تا ۱۶۴)

صاحب بحار همچنین به طرح مباحث حاشیه‌ای و غیر مرتبط مانند بررسی جهت قبله در تمامی حرم‌های موجود در عراق (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۷/۴۳۳)، تبیین مقدار سایه خورشید هنگام اذان ظهر به افق اصفهان و حومه (همان: ۳۷۱/۷۹)، توصیه به اقامه نماز جماعت و جمعه (همان: ۴۱/۸۵؛ ۸۶/۱۳۸-۱۳۳) و بیان احکام وضو و غسل جبیره پرداخته است (همان، ج ۷۷: ۳۷۴) که عمدتاً متأثر از جایگاه مرجعیت و «شیخ الاسلامی» بوده و با رسالت کتابش به هیچ روی همسو نیست.

۳.۳. اوضاع اجتماعی عصر مجلسی

صاحب بحار در دورانی زندگی می‌کرده است که جهان، قرون وسطی را در غرب پشت سر گذاشته و با ظهور رنسانس و دانشمندانی مانند فرانسیس بیکن (۱۵۶۱-۱۶۲۶م.) و رنه دکارت فرانسوی (۱۵۹۶-۱۶۵۰م.) وارد تحولات جدید و پیشرفت‌های علمی روزافزون شده بود. (کریمی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۷۵) در ایران و به طرز ویژه‌ای در شهر اصفهان نیز از همان آغازین روزهای تأسیس سلسله‌ی صفوی (۹۰۷ تا ۱۱۴۸ق.) که تمامی سال‌های عمر مجلسی در مقطعی از ایام پایانی آن سپری شده، تغییرات بنیادین و چشمگیری در حال شکل‌گیری بود. (ترکمان، ۱۳۸۲: ۵۴)

مذهب تشیع به فرمان شاهان صفوی در تمامی شهرهای کشور به رسمیت شناخته شد. (میراحمدی، ۱۳۶۳: ۷۸) عالمان شیعی در دستگاه و حکومت صفوی ورود کردند و بنا به باور برخی تعصب مذهبی را میان توده‌های مردم رواج دادند. (سیوری، ۱۳۷۸: ۳۷) آن‌ها این عقیده را به مردم القا کردند که دولت صفوی تا ظهور امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه همچنان پایدار خواهد ماند و برای این منظور از روایات و احادیث و حساب جُمل سود بردند. (فرهانی منفرد، ۱۳۷۷: ۱۲۱)

در عهد مجلسی، اجتماعات اقلیت‌های دینی و به طور خاص مسیحیان در اصفهان رقم خورد. (دل‌واله، ۱۳۴۸: ۱۳۲) مبلغان مسیحی از اروپا به اصفهان آمد و شد می‌کردند و تأثیرات قابل توجهی از خویش در زندگی داخلی ایرانی‌ها به جا گذاشتند. (ژاکن، ۱۳۹۵: ۹۳) از جمله، باب ملاقات شاهان صفوی به ویژه معاصران مجلسی با مسیحیان گشوده شد. (لوی، ۱۳۳۹: ۱۸۵) همچنین اناجیل و سایر آثار مسیحی فرصت انتشار یافت. (ترکمان، ۱۳۸۲: ۵۴) شمار کلیساها در اصفهان عهد صفویه به دوازده عدد رسید و هریک از آن‌ها مستقلاً به فعالیت دینی و تبشیری مشغول شدند. (صادقی، ۱۳۷۹: ۸۳) نامه‌ها و هدایای ارسالی پادشاهان اروپایی و مقامات کلیسای کاتولیک به شاهان صفوی بهانه‌ای شد تا ایشان با دستگاه حاکمیتی ایران رابطه‌ای دوستانه برقرارکنند.

سیاحان اروپایی در اصفهان حضور یافتند. بعضی از شخصیت‌های مسیحی در اصفهان، اسلام اختیار کردند. (شاردن، بی‌تا: ۳/ ۶۷) به دنبال این تحولات، بازار ردیه‌نویسی بر مسیحیت گرم شد. برخی شاهان خاندان صفوی نسبت به مباحث بین‌الدیانی از خود علاقه نشان می‌دادند و آن‌ها را پیگیری می‌کردند. (تکتاندر فندریابل، ۱۳۵۱: ۸۵) در عهد صفوی هیئت‌های حکومتی به اروپا اعزام شدند و برخی از اعضای آن‌ها به خاطر شیفتگی شدید به دین مسیحیت، مسیحی شدند. (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۵۴)

نظر به وجود چنین رویدادهایی، حدس دوری نیست که بگوییم مجموع آن‌ها به عنوان عاملی خطیر و اثرگذار در شکل‌گیری نگاه کلامی مجلسی به موضوع روایات و مباحث ادیان دخیل بودند به گونه‌ای که او را در انعکاس احادیث مرتبط و تبیین آن‌ها، به سویی هدایت کرده باشند که رهاورد آن، طرد و انکار مفاهیم و آموزه‌های ادیان و مذاهب دیگر باشد. تأیید این احتمال اینکه در جایی وی به صورت مطلق تصریح می‌کند که هر آنچه از طریق اهل بیت علیهم‌السلام به دست ما نرسد محکوم به بطلان است. (مجلسی، ۱۳۹۵: ۶۴) شاید تأثیر همین دیدگاه است که در رأی کلامی نادری، تبعیت از پیامبر خاتم صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را حتی در اصول دین هم مجاز می‌داند. (همان: ۳۸)

در بخشی نیز بعد از ذکر خبری از کتاب «معانی الأخبار»، می‌نویسد: «با این وصف، هرکس امامی صحیح‌العقیده نباشد، کافرست». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴/ ۶۶) ختم گفتار وی به این گزاره و ورودش در روایت بعد نشان می‌دهد ظاهراً بر این مدلول التزامی صحه گذاشته است.

ناگفته نماند این نگاه و رویکرد کلامی در علامه، او را به سمت وسویی سوق می‌دهد که بارها به طرح مباحثی همچون اثبات حقانیت امام علی علیه‌السلام (همان: ۳۹/ ۱۳۵) پردازد و از هدف کتاب که جمع‌آوری احادیث بنا به گفته خود اوست، فاصله بگیرد و آنگاه بکوشد تا دلیل این کار را بیان کند. (همان: ۴۵/ ۲۹۴) در همین راستا جایی هم او خداوند را به خاطر محبت شدید مردم اصفهان به اهل بیت علیهم‌السلام و فرمانبرداری آنان از ایشان، سپاس می‌گوید و آرزو می‌کند که آن‌ها جان خویش را در راه موعود اسلام شیعی نثار کنند. (همان: ۴۱/ ۳۰۱ و ۳۰۲)

نتیجه:

بی تردید علامه مجلسی یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین شخصیت‌های جهان تشیع به شمار می‌رود. نقش بی‌بدیل وی در گسترش فرهنگ شیعی بر هیچ شخص منصفی پوشیده نیست. او حدود هزار شاگرد شایسته تربیت کرد و با پذیرش مسئولیت‌های سیاسی، اجتماعی و قضایی به تحقق آموزه‌های دینی همت گماشت. در حل مشکلات مردم و اداره کشور مجاهدت‌های کم نظیری از خود نشان داد. کتب فاخر متعددی از خود بر جای گذاشت که هنوز دنیای اسلام از آن‌ها بهره‌مند می‌گردد. در میان آثارش بحار را بنابه گفته خویش به هدف جمع‌آوری روایات و ترس از تلف شدن اخبار نگاشت. وی در این راه زحمات زیادی را متحمل شد؛ اگر چه بسته به جایگاه مهم و اثرگذاری که در آن قرار گرفته توقعی نیست در جمع‌آوری، فهم و تبویب احادیث همانند دین‌پژوهان قرن معاصر، رویکردی برون‌دینی و دین‌پژوهانه داشته باشد، اما از سوی دیگر نیز نمی‌توان تأثیر محسوس عواملی همچون زمینه خانوادگی و علمی وی، شرایط عصر و زمانه‌ای که در او می‌زید، مسند صدارت و ارتباط نزدیک با دولت صفوی را بر نوع رویکرد کلامی که در فرایند تدوین اثر مزبور برگزیده است، انکار کرد.

روحیه هدایتگری مردم، تأکید بر خوانش شیعی از اسلام و تلاش در راستای اثبات حقانیت امام علی علیه السلام، بزرگداشت پادشاهان معاصر در کنار ارادت قابل تأمل به موعود شیعه صلوات الله علیه، بسط سخن در موضوعاتی چون دنیای مذموم، نگرش منفی به صوفیان و فلاسفه، انعقاد ابوابی در مخالفت با مذاق اهل سنت و واکنش‌های رفتاری در برابر ایشان و نیز صف‌آرایی در برابر پیروان ادیان از طریق توجیه احادیث مربوطه، جملگی شواهدی است که نشان می‌دهد در برخی مواضع، صاحب بحار در فهم اخبار و تنظیم مباحث کتاب، متأثر از عواملی بوده که چه بسا سبب شده است تا از رسالتش مبنی بر جمع‌آوری احادیث، فاصله گرفته باشد.

بدیهی است این عوامل نه تنها جهت‌گیری فکری و رویکرد کلامی تأمل‌برانگیزی را در اندیشه وی رقم زده که در مقام عمل نیز روش علمی او را تحت تأثیر قرار داده است. این را در نحوه عملکرد مجلسی در نوع انتخاب منابع اطلاعاتی جهت

آشنایی با اصطلاحات و مفاهیم ادیان، کیفیت تفسیر روایات با محتوای ادیانی، چگونگی راستی آزمایی تاریخ ادیان، طرد آموزه‌ها و تعالیم سایر مکاتب و ادیان در پرتو تبلیغ شیعه می‌توان جویا شده، نظاره‌گر بود.

بنابراین به نظر می‌رسد در مواضعی که مجلسی درباره دیگر فرق و ادیان سخن گفته و در مقام تبیین روایات آن برآمده است، گمانه وجود خوانش و برداشت دیگری را از متن خبر به طور کامل منتفی ندانیم و به منظور دفع چنین احتمالی به سایر منابع مربوطه و کتب تخصصی نیز مراجعه کنیم.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

- کتاب مقدس (۲۰۱۲)، ترجمه قدیم، انتشارات ایلام
- ابن منظور، جمال الدین (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- افندی، میرزا عبدالله (۱۳۸۹)، ریاض العلماء، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- امین، سید محسن (۱۴۲۱)، أعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف.
- بهرام نژاد، محسن (۱۳۷۷)، سفرنامه‌های اروپاییان در عصر صفویان، کیهان اندیشه،
- ش ۷۸، قم: مؤسسه کیهان.
- ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۸۲)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- تکتاندر فندریابل، ژرژ (۱۳۵۱)، ایتروپرسیکوم، گزارش سفارتی به دربار شاه عباس، ترجمه محمود تفضلی، چ ۱، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- تهرانی، محمد محسن (آقابزرگ) (۱۴۰۳)، الذریعه، بیروت: دارالأضواء.
- _____ (۱۳۳۷)، مصنفی المقال فی مصنفی علم الرجال، تهران: چاپخانه مجلس.

- جعفریان، رسول (۱۳۸۲)، «بحار الانوار از زاویه نگاه دایره المعارفی»، فصلنامه مشکوه، ش ۸۰، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضویم.
- _____ (۱۳۷۰)، **دین و سیاست در دوره صفوی**، قم: نشر انصاریان.
- _____ (۱۳۷۵)، **مقالات تاریخی**، قم: نشر الهادی.
- _____ (۱۳۹۱)، **مهدیان دروغین**، تهران: انتشارات علم.
- خاتون آبادی، عبدالحسین (۱۳۵۲)، **وقایع السنین و الأعوام**، تهران: کتابفروشی اسلامیة
- محمدصالح (بی تا)، **آداب سنیه**، نسخه خطی.
- خوارزمی، حسین (۱۳۷۷)، **شرح فصوص الحکم**، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی
- دلاواله، پیتر و (۱۳۴۸)، **سفرنامه پیتر و دلاواله**، ترجمه شعاع الدین شفا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- دوانی، علی (۱۳۷۰)، **علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین**، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ژاکن، فردریک (۱۳۹۵)، **سفر به ایران در قرن هفدهم**، مترجم سعیده بوغیری، تهران: شرکت نشر البرز.
- سیوری، راجر (۱۳۷۸)، **ایران عصر صفوی**، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- شاردن، ژان (۱۳۳۵)، **سیاحتنامه شاردن**، ترجمه محمد عباسی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- شیبی، کامل مصطفی (۱۳۷۸)، **تشیع و تصوف**، ترجمه علیرضا ذکاوتی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- صادق، مقصود علی (۱۳۷۹)، «**زمینه‌های فعالیت‌های مبلغان مسیحی در ایران**»، کتاب ماه دین، ش ۳۴، تهران: خانه کتاب ایران.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۸۲)، **کمال الدین و تمام النعمه**، ترجمه منصور پهلوان، قم: نشر مسجد جمکران.
- طارمی، حسن (۱۳۷۵)، **علامه مجلسی**، تهران: نشر طرح نو.

- طبرسی، احمدبن علی (۱۴۰۳)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: چاپ مرتضی.
- فغاری فرد، عباسقلی (۱۳۸۱)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران: انتشارات سمت.
- فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۷۷)، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۵۳)، تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه، تهران: چاپخانه ایران.
- قمی، شیخ عباس (۱۴۱۴)، سفینه البحار، قم: دارالأسوه.
- کجوری مازندرانی، محمدباقر (۱۳۹۲)، خصائص فاطمیه، قم: اندیشه هادی.
- کرمانشاهی، آقا احمد (۱۳۶۹)، مرآت الأحوال جهان نما، تهران: نشر امیر کبیر.
- کریمی، علیرضا (۱۳۷۹)، بررسی تطبیقی علم در ایران و اروپای معاصر صفویه، یادنامه مجلسی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۴۴)، انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لوی، حبیب (۱۳۳۹)، تاریخ یهود ایران، تهران: کتابفروشی یهودا بروخیم.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۵)، الاعتقادات (شرح رساله اعتقادات علامه مجلسی)، شرح و تنظیم سیدقاسم علی احمدی، قم: نشر دلیل ما.
- _____ (۱۴۰۳)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

- _____ (۱۴۱۲)، بیست و پنج رساله فارسی (صواعق
 اليهود و...)، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: چاپخانه سیدالشهداء علیه السلام.
- _____ (بی تا)، حق یقین، چ ۱، قم: انتشارات ذوی
 القربی.
- _____ (۱۳۶۹)، حلیة المتقین، قم: نشر لقمان.
- _____ (بی تا)، حیات القلوب، تهران: سازمان چاپ
 جاویدان.
- _____ (۱۳۸۲)، عین الحیات، تهران: انتشارات
 قدیانی.
- _____ (۱۳۹۰)، کتاب رجعت، تحقیق: سیدحسن
 موسوی، قم: انتشارات دلیل ما.
- _____ (۱۳۹۱)، مرآة العقول، تهران: دارالکتب
 الاسلامیه.
- _____ (۱۳۶۲)، رساله تشویق السالکین، تهران: نور
 فاطمه علیها السلام.
- _____ (۱۳۷۹)، زندگینامه علامه مجلسی، تهران:
 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____ (۱۳۷۸)، شناختنامه علامه مجلسی، تهران: وزارت
 فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____ (۱۳۶۳)، مریم و مذهب در عصر صفوی، تهران:
 انتشارات امیر کبیر.
- _____ (۱۳۹۲)، «نقد و بررسی ادله نقلی طهارت و
 نجاست اهل کتاب»، پژوهش های فقهی، دوره نهم، ش ۴.
- _____ (۱۳۶۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط
 المسائل، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
- _____ (۱۴۱۹)، الفیض القدسی، قم: نشر مرصاد.



- Momen, Moojan(1985), An Introduction to *Shi'islam*, the U.S.: Yale University Press
- Moreen, Vera Basch(1992), "Risala-yiSawaiq al-Yahud (The Treatise Lighning Bolts Against the Jews) by Muhammad Baqir b. MuhammadTaqi al-majlisi", Brill: Die Welt des Islams
- Thurlkill, Mary F.(2010), Chosen among Women, Mary and Fatima in Medieval Christianity and Shite Islam, the U.S.: University of Norte Dame Press
- <https://iranicaonline.org/articles/majlesi-mohammad-baqer>.

